

Impact of Social Capital on Tendency for Democracy (Case-study: student of Isfahan University)

Mahmoudreza Rahbarghazi*

Received: 2020/08/02

Zahra Jafari**

Accepted: 2021/08/23


Nasim Kordalivand***

According to some scholars, many countries today are looking to democracy as the best model of government. In this regard, scholars have cited various factors as influencing variables on the growth of democratic culture in countries. They believe that the most important factor in political development is social capital. This study examines that idea among the students of Isfahan Universities by survey method in the academic year 1398-99. The sample size of this study is 361 people that the necessary samples were obtained by multistage clustering method. The result show that both components of social capital (structural and cognitive dimensions) had a significant impact on the tendency for democracy and reinforced such a tendency among individual.

Keywords: Democracy, I.R.Iran, Isfahan Unidersity, Politics, Social capital, Student.


* Assistant Professor of Political Science, Isfahan University ,Isfahan, I.R.Iran (Corresponding author).

m.rahbarghazi@ase.ui.ac.ir

 0000-0003-3835-2581


** M.S. in Political Science from Isfahan University, Isfahan, I.R.Iran.

sheydamontazer313@gmail.com

 0000-0002-7754-7691

*** M.S. in Political Science from Isfahan University, Isfahan, I.R.Iran.

nasimkordalivand4520@gmail.com

 0000-0003-4043-0964

تأثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش به مردم‌سالاری (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان)

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۰۱

مقاله برای بازنگری به مدت ۷۱ روز نزد نویسندگان بوده است.

محمودرضا رهبر قاضی*

زهرا جعفری**

نسیم کرد علیوند***

چکیده

مردم‌سالاری امروزه به عنوان یکی از ارکان حکومت‌های مردمی به شمار می‌آید. محققان از عوامل مختلفی به عنوان متغیرهای تأثیرگذار بر رشد فرهنگ مردم‌سالارانه در کشورها نام برده‌اند. این پژوهش به آزمون این رابطه در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر اصفهان به شیوه پیمایشی در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۹۹ می‌پردازد. حجم نمونه این پژوهش ۳۶۱ نفر می‌باشد که نمونه‌های لازم بر اساس روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای به دست آمده‌اند. با تقسیم سرمایه اجتماعی به دو بعد ساختاری و شناختی، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هر دو مؤلفه سرمایه اجتماعی تأثیر معنی‌داری بر روی تمایل به مردم‌سالاری در بین دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان، داشته‌اند.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی ایران، دانشجویان، دانشگاه اصفهان، سرمایه اجتماعی، سیاست، مردم‌سالاری.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

m.rahbarghazi@ase.ui.ac.ir

0000-0003-3835-2581

** فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران.

sheydamontazer313@gmail.com

0000-0009-7754-7691

*** فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، جمهوری اسلامی ایران.

nasimkordalivand4520@gmail.com

0000-0003-4043-0964

مقدمه

بیان مسئله: توسعه سیاسی به عنوان یک پدیده مطلوب در بسیاری از جوامع با رشد مردم‌سالاری همراه بوده است (علی‌بابایی، ۱۳۸۲، ص. ۲۰۴). در گذشته بسیاری از محققان با استفاده از نظریه انتخاب عقلایی بر روی تأثیر عوامل فردی در گرایش افراد به مردم‌سالاری تأکید می‌کردند. اما در سال‌های اخیر نظریه‌های جامعه‌شناختی، مخصوصاً مفهوم سرمایه اجتماعی، جای نظریه‌های فردمحور را در تبیین مسائل سیاسی گرفته‌اند. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی می‌تواند به مثابه حلقه مفقوده‌ای، حوزه‌های اجتماعی و سیاسی را در راستای توسعه کمی و کیفی جامعه، به یکدیگر متصل کند و به نظر می‌رسد در چنین شرایطی است که تحکیم مردم‌سالاری آسان‌تر می‌شود (غفوری و جعفری، ۱۳۸۷، صص. ۲۳۹-۲۳۸).

اهمیت: در یکصد سال گذشته در میان طبقات متوسط جدید ایرانی و مخصوصاً در بین جوانان تحصیل‌کرده کوشش بسیاری برای استقرار مردم‌سالاری در جریان بوده است و نمود بارز آن را می‌توان در جریان پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس مردم‌سالاری دینی ملاحظه نمود. بر این اساس پرسش از مردم‌سالاری و تلاش برای طراحی و اجرای یک مردم‌سالاری اصیل و بومی در جامعه ما اهمیتی راهبردی دارد.

ضرورت: در حالی که در گذشته نظریه‌پردازان سیاسی در ایران عمدتاً بر روی ساختارهای دولتی و نهادهای قانون‌گذاری برای تقویت مردم‌سالاری تأکید می‌کردند اما در سال‌های اخیر بسیاری از آنها علت ضعف مردم‌سالاری را فقدان ساختارها و پیوندهای اجتماعی قوی می‌دانند. با این توصیف مشخص می‌شود که پرداختن به نقش سرمایه اجتماعی، دارای ضرورت کاربردی بوده و می‌تواند به تقویت الگوی مردم‌سالاری در عرصه عملی در ایران کمک نماید.

اهداف: کمک به تقویت ابعاد نظری و عملی مردم‌سالاری در جامعه ایران، هدف اصلی این پژوهش است. در همین راستا، ارائه شاخص‌های سنجش گونه‌های مختلف سرمایه اجتماعی در ایران و همچنین تبیین مؤلفه‌های فرهنگ مردم‌سالارانه به منظور تقویت بینش تخصصی به موضوع، از جمله اهداف فرعی نویسندگان می‌باشد.

سؤال‌ها و فرضیه: سؤال اصلی محققان عبارت است از: تأثیر سرمایه اجتماعی بر

مردم‌سالاری از نظر دانشجویان دانشگاه اصفهان چیست؟ در همین ارتباط سؤال‌های فرعی زیر طرح و بررسی شده‌اند: انواع سرمایه اجتماعی کدامند؟ شاخص‌های سنجش گونه‌های مختلف سرمایه اجتماعی چیست؟ مؤلفه‌های فرهنگ مردم‌سالارانه کدامند؟ پژوهش حاضر فرضیه‌آزما نیست.

۱. پیشینه پژوهش

متون مختلفی که در موضوع سرمایه اجتماعی و مردم‌سالاری منتشر شده، که با توجه به رویکرد مقاله حاضر که بر رابطه بین این دو مفهوم متمرکز است، می‌توان آنها را در چند گروه مختلف بررسی نمود:

۱-۱. پیشینه پژوهش در نشریه دانش سیاسی

این نشریه تا کنون ۵ عنوان مقاله در راستای بحث سرمایه اجتماعی منتشر نموده است. در این راستا، ارسیا و ساعی (۱۳۹۸) در پژوهش خود نشان می‌دهند که ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی از جمله اعتماد اجتماعی و مشارکت در امور جامعه می‌تواند توسعه سیاسی را تقویت کرده و فضا را برای مشارکت مردم در حوزه‌های سیاسی فراهم سازد. سردارنیا و یوسفی (۱۳۹۵) در پژوهش خود نشان می‌دهند که دانشجویانی که سطح و میزان سرمایه اجتماعی آنان بالاتر باشد به مراتب، بیشتر از دیگران به فرهنگ سیاسی مدنی و دموکراتیک گرایش پیدا می‌کنند و از فرهنگ سیاسی سنتی فاصله می‌گیرند. جهانگیری و ابوترابی زارچی (۱۳۹۱) نشان می‌دهند که متغیر سرمایه اجتماعی درون‌گروهی رابطه مثبت معناداری با اعتماد سیاسی دارد. صادقی شاهدانی و مقصودی (۱۳۸۹) در پژوهش خود استدلال می‌کنند که سرمایه اجتماعی تسهیل‌کننده روابط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است که در برخوردهای انسانی و در قالب شبکه‌ها با استفاده از کیمیای اعتماد و صداقت به وجود می‌آید. این سرمایه، به عنوان عاملی مهم در رفع موانعی چون ساختار دیوانسالارانه عمل می‌کند. آنها در طول تحقیق خود با استفاده از تحلیل‌های منطقه‌ای، سعی می‌کنند روند نزول سرمایه اجتماعی در میان استان‌های کشور توضیح داده شود. سرانجام، غفاری هشتجین و دیگران (۱۳۸۹) در بخش‌هایی از پژوهش خود نشان می‌دهند که پیوندهای دوستانه و روابط خانوادگی،

که بخشی از متغیر سرمایه اجتماعی محسوب می‌شوند، می‌توانند در افزایش مشارکت سیاسی تأثیرگذار باشند. مقاله حاضر از آن حیث که نویسندگان، سعی در تبیین رابطه سرمایه اجتماعی ساختاری - ادراکی و شناختی با مردم‌سالاری داشته‌اند؛ تا حدودی متمایز از مقاله‌های پیشین دانش سیاسی است و به دلیل پرداختن به سرمایه اجتماعی از زاویه‌ای جدید که در مقاله‌های پیشین دانش سیاسی کمتر مورد توجه بوده، می‌توان آن را مکمل ادبیات دانش سیاسی در این موضوع ارزیابی نمود.

۲-۱. پیشینه پژوهش در سایر منابع

بررسی تحلیل منابع موجود حکایت از آن دارد که دو رویکرد اصلی به موضوع مدنظر محققان بوده است:

الف. رویکرد ایجابی

در این پژوهش‌ها که اکثریت را شامل می‌شود، عمدتاً همسو با نظریات پوتنام، فوکویاما، گیدنز، و اینگلهارت نشان می‌دهند که بین سرمایه اجتماعی و مردم‌سالاری رابطه مثبتی وجود دارد و سرمایه اجتماعی می‌تواند مردم‌سالاری را تقویت کند. برای مثال آزمون فرضیه‌های شهریاری و دیگران (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، بر تساهل به عنوان یکی از عناصر مردم‌سالاری تأثیر مثبتی دارد. یافته‌های ساعی و دیگران (۱۳۹۲) دلالت بر آن دارند که اعتماد اجتماعی در بیشتر موارد شرط لازم برای مردم‌سالاری است. مشارکت مدنی و نفع جمعی معمولاً شرط لازم برای دموکراسی است. غفوری و جعفری (۱۳۸۷) در پژوهش خود نشان می‌دهند که روند دموکراسی‌خواهی در ایران از چرخه فراز و فرود سرمایه اجتماعی پیروی می‌کند، از این رو تقویت مردم‌سالاری با شکل‌گیری و تقویت نهادهای مدنی و ارتقای سرمایه اجتماعی مؤثر است. نتایج پژوهش احمدی و نمکی (۱۳۹۱) حاکی از تأثیر مثبت برخی شاخص‌های سرمایه اجتماعی از جمله اعتماد و مشارکت (شاخص‌های نیوتوکویلی)، بر خلق ارزش‌های ره‌اینده یا نوع مردم‌سالارانه فرهنگ سیاسی است. در پژوهش‌های خارج از کشور نیز یافته‌های نورتکین^۱ (۲۰۱۹) نیز نشان‌دهنده وجود یک رابطه قوی و علی بین سرمایه اجتماعی و مردم‌سالاری می‌باشد. یافته‌های وی نشان می‌دهد

شهروندانی که اعتماد بیشتری به دیگران دارند، در اجلاس عمومی بیشتر شرکت می‌کنند، و احساس تعلق بیشتری به سازمان‌های داوطلبانه دارند و مردم‌سالاری را نسبت به انواع دیگر حکومت‌ها بیشتر ترجیح می‌دهند. سامرفیلد^۲ (۲۰۱۳) استدلال می‌کند که سرمایه اجتماعی یکی از پیش‌شرط‌های اصلی ایجاد جامعه مدنی و حوزه عمومی می‌باشد. از دیدگاه او، از یک طرف گسترش روابط عمومی می‌تواند از طریق افزایش اعتماد تعمیم‌یافته سرمایه اجتماعی را تولید کند و از طرف دیگر سرمایه اجتماعی با تقویت روابط عمومی باعث استحکام دموکراسی در جامعه می‌شود. پژوهش پیلای^۳ و همکاران (۲۰۱۱) که با استفاده از داده‌های ثانویه و ملی صورت گرفته است نشان می‌دهد که از یک سو رویکردهای دموکراتیک بر روی تقویت سرمایه اجتماعی، حتی در محیط‌های روستایی، تأثیر مثبتی می‌گذارند و از سوی دیگر سرمایه اجتماعی روند گسترش رویکردهای مردم‌سالارانه در جامعه را بهبود می‌بخشد. سرانجام یافته‌های زمردلی و نیوتون^۴ (۱۹۹۹) در ۲۳ کشور اروپایی و همچنین ایالات متحده آمریکا نشان می‌دهد که به لحاظ آماری بین اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته از یک طرف و اعتماد به نهادهای سیاسی از طرف دیگر، با رضایت از حکومت مردم‌سالارانه رابطه معنی‌دار و قوی‌ای وجود دارد.

ب. رویکرد انتقادی

این آثار نشان می‌دهند که سرمایه اجتماعی همیشه تأثیر مثبت بر روی مردم‌سالاری ندارد (Warren, 2001). از این دیدگاه، هر چند برخی انواع سرمایه اجتماعی می‌تواند تأثیرات مثبتی بر روی مردم‌سالاری داشته باشد ولی برخی از انواع سرمایه اجتماعی دیگر نمی‌تواند تأثیرات مثبت بر روی آن داشته باشد. در این راستا، گوانوتر (۱۹۷۳) با تقسیم همبستگی‌های گروهی به پیوندهای قوی و پیوندهای سست، استدلال می‌کند که صرفاً پیوندهای سست، به عنوان میانجی گروه‌های اجتماعی حاضر در جامعه مدنی، به واسطه شکل‌دهی ارتباطات مؤثر انتقال اطلاعات و نوآوری‌ها، حذف دشمنی‌ها و غیره سبب تقویت مردم‌سالاری می‌شود درحالی‌که پیوندهای قوی احتمالاً تأثیر چندانی در این زمینه نخواهد داشت. پوتنام (۲۰۰۰) بر دو نوع شبکه افقی و عمودی اشاره می‌کند. در شبکه‌های افقی افرادی عضویت دارند که تا حدودی از قدرت برابری با دیگران

برخوردار هستند و از نظر وی شبکه‌های افقی از مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی هستند و هر چه این نوع از شبکه‌ها در جامعه مستحکم‌تر باشند، احتمال تمایل شهروندان در جهت رسیدن به مردم‌سالاری بیشتر است در حالی که در شبکه‌های عمودی چنین انتظاری نمی‌رود. همچنین پورتس (۲۰۰۰) با تفکیک میان دو نوع سرمایه اجتماعی درون‌گروهی و میان‌گروهی استدلال می‌کند که در سرمایه اجتماعی درون‌گروهی افراد در مقایسه با سرمایه اجتماعی میان‌گروهی اعتماد کمتری به همدیگر دارد. این نوع سرمایه اجتماعی مانعی برای توسعه مردم‌سالاری است زیرا در آن افراد همه چیز را فقط برای یک گروه خاص می‌خواهند.

با تأمل در منابع موجود مشاهده می‌شود که اصل رابطه بین سرمایه اجتماعی و مردم‌سالاری کمتر مورد توجه محققان ایرانی بوده و از طرفی بیشتر رویکردی توصیفی و تحلیلی مبتنی بر بیان و نقد نظریه‌ها مورد توجه بوده و از پژوهش‌های زمینه‌ای و یا کمی کمتر استفاده شده است. به همین می‌توان پژوهش حاضر را متمایز از مطالعات پیشین و مکمل آنها ارزیابی نمود.

۲. مبانی مفهومی و نظری

با عنایت به نقش محوری دو متغیر سرمایه اجتماعی و مردم‌سالاری، مبانی و الگوی تحلیل پژوهش حاضر به شرح زیر ساماندهی شده است:

۲-۱. سرمایه اجتماعی

رویکرد سرمایه اجتماعی بر ارزش‌هایی که افراد را به زندگی روزمره ارتباط داده و روابط اجتماعی و تعهدشان به جامعه را تقویت می‌کند، تأکید دارد. این رهیافت سرچشمه گرفته از یک مکتب کلاسیک آمریکایی با نام تفکر مدنی^۵ است که از دو توکویل تا آلموند و وربا را شامل می‌شود. این محققان انجمن‌های داوطلبانه را به مانند ابزارهایی در نظر می‌گرفتند که می‌توانند مردم‌سالاری آمریکایی را تضمین کنند (Arneil, 2006, p. 4). در این راستا، تقریباً بیشتر نظریه‌پردازان بعدی سرمایه اجتماعی، و مخصوصاً پوتنام به نوعی با الهام از رهیافت تفکر مدنی، اقدام به ایجاد و گسترش مفهوم سرمایه اجتماعی کرده‌اند.

الف. شناخت تحلیلی سرمایه اجتماعی

پوتنام (۱۹۹۳) از تئورسین‌های اصلی این مکتب، در پژوهشی به آزمون مقایسه‌ای عملکرد نهادی حکومت‌های محلی در کشور ایتالیا پرداخته است. او این فرضیه را ارائه می‌کند که تفاوت در عملکرد این حکومت‌ها با وجود ابزارهای نهادی مشابه، به دلیل فرهنگ سیاسی متفاوت آنها می‌باشد. پوتنام موفقیت نهادهای مناطق شمالی ایتالیا در مقایسه با جنوب این کشور را به دلیل سنت‌های مدنی می‌داند که باعث مشارکت شهروندان این مناطق در امور عمومی، تبعیت از قوانین و همچنین گسترش شبکه‌های مدنی شده‌اند. از نظر پوتنام این عوامل در کنار فضایی همچون درستکاری و اجماع، جوامع مدنی و مردم‌سالارانه‌ای ایجاد کرده‌اند که از ضعف، ناکارآمدی و فساد موجود در مناطق جنوبی، به دور هستند. در نهایت پوتنام استدلال می‌کند که عامل اصلی‌ای که جوامع مردم‌سالارانه را از بقیه متمایز می‌سازد، فضیلت مدنی است؛ این فضیلت موجب تشکیل نوعی دارایی در میان افراد می‌گردد که او آن را سرمایه اجتماعی می‌نامد. نظریه مهم پوتنام آن است که منابع بالای سرمایه اجتماعی در شمال ایتالیا موجب توسعه و مردم‌سالاری بیشتر این حوزه در مقایسه با جنوب ایتالیا شده است. همچنین پوتنام (۲۰۰۰) در پژوهش‌های بعدی خویش همانند توکویل استدلال می‌کند که در سال‌های اخیر مشارکت شهروندان در فرایندهای سیاسی آمریکا به خاطر افول سرمایه اجتماعی رو به کاهش بوده است.

ب. منابع سرمایه اجتماعی

از دیدگاه پوتنام (۱۹۳۳) منابع سرمایه اجتماعی به سه عنصر اصلی تقسیم می‌شوند: اعتماد، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی. هنگامی که ما درباره اعتماد در جوامع مدرن صحبت می‌کنیم منظور ما اعتماد تعمیم‌یافته است. افراد نه به دلیل مسائلی از قبیل خیر عمومی، بلکه به این دلیل به دیگران اعتماد می‌کنند که از طریق توسعه مثبت روابط اجتماعی، به خاطر این اقدام خود در جامعه مورد «پاداش» قرار گیرند (Newton, 1999, P. 8). در جهان مدرن ما به این دلیل به اعتماد نیازمندیم که هنگامی که ما حوزه‌های مبتنی بر خانواده، قوم و قبیله را ترک می‌کنیم و وارد حوزه‌های مبتنی بر احتمالات، پیچیدگی‌ها و خطرات می‌شویم، بتوانیم همچنان روابط اجتماعی را در

جامعه حفظ کنیم (Luhmann, 1988). تأکید بر روی اجماع در جوامع مدرن بر شبکه‌های درهم‌تنیده اعتماد در میان شهروندان، خانواده‌ها، سازمان‌های داوطلبانه، فرقه‌های دینی، انجمن‌های مدنی و مواردی از این قبیل مبتنی است. همچنین به‌طور مشابه، مشروعیت جوامع مدرن مبتنی بر اعتماد افراد به مراجع اقتدار و نهادهای حکومتی به عنوان دیگران تعمیم یافته است (Seligman, 1977, p. 14). اعتماد ضخیم^۶ در جوامع مدرن یا پیشامدرن روابط شخصی را گسترش می‌داد (Newton, 1999, pp. 18-20). اما اعتماد اجتماعی به شکل پیچیده آن در جوامع پسا صنعتی یا پست‌مدرن دارای دو منبع اصلی است: هنجارهای عمل متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی (Putnam, 1993, p. 171). پوتنام (۱۹۹۳) معتقد است که شبکه‌های اجتماعی: اولاً. هزینه‌های بالقوه انزوای اجتماعی را افزایش می‌دهد و دوم اینکه هنجارهای نیرومند عمل متقابل و اجتماعی را تقویت می‌کند و سوم اینکه جریان اطلاعات را از طریق ترویج قابل اعتماد بودن افراد تسهیل می‌کند. همان‌طور که لوهمان (۱۹۸۸) استدلال می‌کند شبکه‌های اجتماعی می‌توانند به عنوان گروه‌های سازمان‌یافته اجتماعی‌ای تعریف شوند که بر اعتماد متقابل اعضا به همدیگر مبتنی هستند. این اعتماد اجتماعی است که باعث می‌شود روابط بین اعضای شبکه‌ها ایجاد و حفظ شود. سرانجام هنجارهای اجتماعی در نظر پوتنام نیز نقش مهمی بازی می‌کند. او معتقد است که در گروه‌های اجتماعی ارزش‌هایی وجود دارد که اصلی‌ترین فایده آن‌ها افزایش اعتماد، کاهش هزینه معاملات و تسهیل همکاری افراد است. از دیدگاه وی اصلی‌ترین مورد در این زمینه هنجارهای معامله متقابل می‌باشد. او این ارزش‌ها را از مهم‌ترین عناصر سرمایه اجتماعی معرفی می‌کند. این ارزش‌ها با مقدار زیادی از شبکه‌های اجتماعی ارتباط دارد و هر کدام دیگری را تقویت می‌کند. پوتنام معتقد است که هنجارهای اجتماعی باعث ترکیب و ادغام نوع دوستی کوتاه‌مدت و خودخواهی بلندمدت می‌گردد. هنجارهای عمل متقابل نه بر تجارب شخصی بلکه مبتنی بر هنجارهای عمومی‌ای است که از طریق شبکه‌های اجتماعی تولید می‌گردد (Putnam, 2000, p. 136). ولی ارزش‌های غیرمولد برعکس ارزش‌های مولد کمکی به تقویت همکاری بین اعضای انجمن‌های اجتماعی نمی‌کند. بنابراین احتمال دارد در یک جامعه سرمایه اجتماعی مشاهده شود، اما ارزش‌های اجتماعی موجود در آن از جنس غیرمولد باشد.

پ. سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی

اگر سؤال شود که ابعاد سرمایه اجتماعی چگونه بر روی فرهنگ سیاسی می‌تواند تأثیر بگذارد؟ پوتنام بر اساس یک بررسی پژوهشی تطبیقی عملکرد نهادهای حکومت در ایتالیا (شمال و جنوب)، معتقد است که وجود زمینه مناسب و بخصوص وجود سنت‌های مدنی است که موجب مشارکت شهروندان در مسائل عمومی، پیروی از قوانین و نیز ایجاد شبکه‌های اجتماعی و سیاسی افقی شده‌اند. این عوامل به همراه درستکاری و همبستگی، جوامع مدنی مردم‌سالارانه را ایجاد نموده‌اند (پوتنام، ۱۳۸۰). در این راستا، پاکستون استدلال می‌کند که سرمایه اجتماعی می‌تواند از طریق تأثیرگذاری بر روی ایجاد نهادهای مردم‌سالارانه سالم با فرهنگ مردم‌سالاری ارتباط داشته باشد. همچنین سرمایه اجتماعی می‌تواند از طریق خلق پیوندهای گروهی‌ای که به بحث‌های گروهی در مقیاس‌های بزرگ می‌پردازند، در جوامع غیرمردم‌سالارانه به ایجاد مردم‌سالاری کمک کند (Paxton, 2002, p. 257). به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی به دلیل گسترش اعتماد اجتماعی افراد به همدیگر، باعث ایجاد و تقویت حوزه عمومی در جامعه می‌شود. هنگامی که افراد به همدیگر اعتماد می‌کنند، آنها احتمالاً در روابط اجتماعی خود فعال‌تر می‌شوند، با یکدیگر بیشتر همکاری می‌کنند و بدین ترتیب فضای مساعدتری برای مردم‌سالاری فراهم می‌شود (Putnam, 1993). به عبارت دیگر، نظریه پردازان سرمایه اجتماعی همانند آلموند و وربا استدلال می‌کنند که اعتماد یک منبع تعمیم‌یافته‌ای است که باعث حفظ عملیات‌های سیاسی در جامعه می‌شود به طوری که بدون آن سیاست‌های مردم‌سالارانه غیرممکن است (Almond & Verba, 2015, p. 357). به شیوه‌ای مشابه، اینگلهارت با بررسی داده‌های پیمایش جهانی^۷ استدلال می‌کند که اعتماد بین‌افردی یکی از پیش‌شرط‌های اصلی تشکیل انجمن‌های فرعی در جامعه است، انجمن‌های که بنا به ذات و ماهیت خود می‌توانند باعث کارآمدتر شدن مشارکت سیاسی افراد در درون یک مردم‌سالاری وسیع‌تر گردند (Inglehart, 2018, p. 23).

ت. سرمایه اجتماعی و مردم‌سالاری

انتشار سرمایه اجتماعی در جامعه یکی از عناصر مهم مردم‌سالاری محسوب می‌شود.

هرروس استدلال می‌کند که در انجمن‌های داوطلبانه‌ای که ماهیت سیاسی دارند، فشارهای آنها به منظور تنظیم مجدد باورها و نگرش‌ها در جامعه به منظور رسیدن به خیر عمومی، نه تنها به منظور رسیدن به منافع اعضای این انجمن‌ها صورت می‌گیرد بلکه هدف آنها کمک به کلیت جامعه نیز می‌باشد (Herrerros, 2004, P. 56). به عبارت دیگر، خیر عمومی نه تنها تعاملات اعضای این انجمن‌ها را بهبود می‌بخشد، بلکه بنیان رسیدن به مردم‌سالاری را هم فراهم می‌بخشد (Haus & Sweeting, 2006). در این راستا، فوکویاما استدلال می‌کند که ذخایر سرمایه اجتماعی احتمالاً همان چیزی است که باعث تولید انبوه جامعه مدنی در جوامع می‌شود؛ عناصری که پیش‌شرط ضروری مردم‌سالاری در عصر جدید محسوب می‌شود (Fukuyama, 2001, p. 11). حکومت‌های استبدادی حکومت‌هایی هستند که به شدت مخالف سرمایه اجتماعی هستند (Uslaner, 1999). اما تنها چیزی که می‌تواند این خواست حکومت‌های استبدادی را به چالش بکشد، ایجاد و توسعه پیوندهای اجتماعی است (Fung, 2003). بنابراین به نظر می‌رسد که محققان معتقدند مشارکت مدنی در انجمن‌های اجتماعی باعث تحکیم بنیان‌های مردم‌سالاری در جوامع می‌شود. به عبارت دیگر شبکه‌های اجتماعی مؤسسه‌های مدنی را تقویت می‌کنند و همچنین ارتباط بین مردم را گسترش می‌دهند، همچنین وجود انجمن‌های اجتماعی متنوع در جامعه باعث تجربیک مشارکت سیاسی و بهبود مهارت‌های سیاسی شهروندان می‌شود. علاوه بر این محققان استدلال می‌کنند که مشارکت افراد در چنین انجمن‌هایی منجر به توسعه فضایل و هنجارهای شهروندی می‌شود (Diamond, 1999, pp. 218-260).

۲-۲. مردم‌سالاری دینی

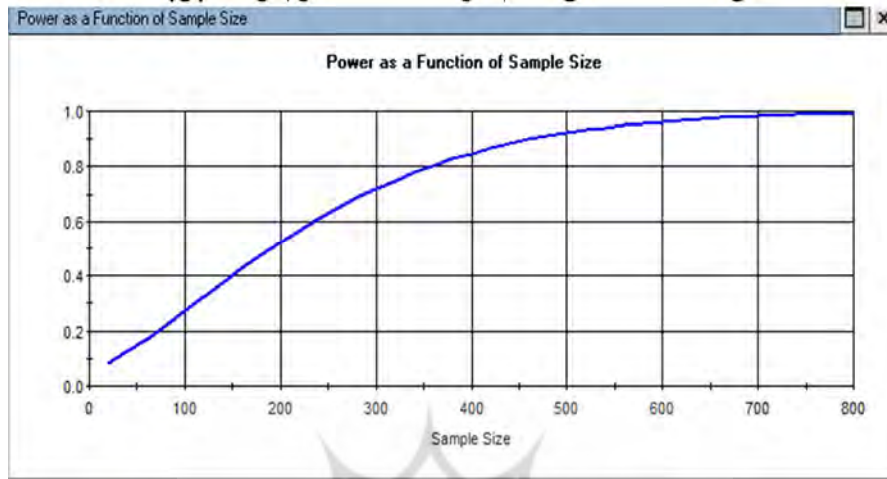
مردم‌سالاری دینی بر اساس آموزه‌های دینی، انسان را دارای کرامت ذاتی می‌داند (کریمی مله، ۱۳۹۳). از این دیدگاه، حقوق طبیعی همگی حق‌هایی عمومی هستند؛ حق‌هایی مثل حق حیات، حق آزادی و حق تعلیم و تربیت؛ نمونه‌ای از ده‌ها نوع حقوق طبیعی بشر هستند. این حق‌ها همزاد بشر بوده و تا آخرین لحظه زندگی در این دنیا همراه او هستند. انسان دارای حق تعیین سرنوشت یا «حق حاکمیت بر خود» است و این امر باعث می‌شود تا این مکتب بر آزادی انسان و ابزارهای لازم برای رسیدن به این

امر تأکید زیادی کند (طالبی، ۱۳۹۷). مردم‌سالاری دینی، نظامی طبقاتی و تبارگرا نیست که در آن حکومت متعلق به طبقه‌ای خاص و در جهت منافع آن طبقه باشد. آنچه در نظام اسلامی اصالت دارد صلاحیت‌های اکتسابی است که متعلق به طبقه‌ای خاص نمی‌باشد؛ اجتهاد الزم برای فهم دین، عدالت و تقوای الهی و توانایی مدیریت جامعه اسلامی همگی ویژگی‌هایی است که مبتنی بر ثروت، تبار و صلاحیت‌های نژادی و خونی تنظیم نشده است. در نظام ولایت، این مردم هستند که از میان صاحبان صلاحیت حاکمان را برگزیده و حکومت نیز باید مبتنی بر منافع تمامی امت تصمیم‌گیری و اقدام نماید (خامنه‌ای، بیانات تاریخ: ۱۳۸۰/۰۵/۱۱). بنابراین در نظام مردم‌سالار دینی، علاوه بر اینکه خدمت به مردم اولویت اصلی می‌باشد و مردم جایگزین خداوند نیستند، ولی شکی نیست که تا شهروندان به میدان نیایند و با امام خویش بیعت نکنند، چنین حکومتی، شکل نخواهد گرفت و به همین جهت در این شکل از حکومت بر روی مشارکت مردم در قلمروهای عمومی و سیاسی تأکید فراوانی شده است. از سوی دیگر، یکی از روش‌های مهم در ایجاد مردم‌سالاری دینی «نظارت» همگانی شهروندان است زیرا در حکومت دینی هم باید نظارت صورت گیرد، و حاکمان، مسئولیت دارند که به حقوق مردم، توجه کرده و برای شهروندان، توضیح کارهای خویش را دهند و به شهروندان نیز حق داده که بر فرمانروایان و شیوه انجام وظایف آنها در باب سیاست‌گذاری‌های عمومی نظارت کنند (حقیقت‌خواه، ۱۳۸۱).

۳. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش، یک بررسی پیمایشی است. از نظر هدف، یک بررسی بنیادین است. از نظر روش یک بررسی همبستگی است. جامعه آماری مورد پژوهش کل دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان در سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹ است. همان‌طور که شکل زیر نشان می‌دهد برای تعیین حجم نمونه از نرم‌افزار Spss Sample power استفاده شد که با حجم اثر ۰/۰۵ و آلفای ۰/۸۰، حجم نمونه ۳۶۰ نفر با توان ۰/۸۰ کافی به نظر می‌رسید.

شکل شماره (۱): تعیین حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار سمپل پاور



در این راستا برای افزایش توان آزمون، تعداد ۳۸۰ پرسشنامه در بین دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای پخش شد که به دلیل زایل شدن پاره‌ای از پرسشنامه‌ها هنگام گردآوری داده‌ها و عدم امکان استفاده از آنها، ۳۶۱ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در این راستا، هر دانشکده به عنوان یک خوشه و در دانشکده، هر کلاس به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شد. میانگین و انحراف استاندارد سن پاسخگویان به ترتیب ۲۳/۵۹ و ۳/۷۸ به دست آمد که ۵۷/۲ درصد آنان زن و ۴۲/۸ درصد آنان مرد بودند. همچنین ۵۲/۹ درصد پاسخگویان در مقطع کارشناسی، ۴۰/۹ درصد آنان در مقطع کارشناسی ارشد و ۶/۱ درصد در مقطع دکتری تحصیل می‌کردند. لازم به یادآوری است که با توجه به استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای در بین جامعه آماری دانشجویان دانشگاه اصفهان، نتایج این پژوهش قابل تعمیم به سایر افراد جامعه نمی‌باشد.

برای سنجش سرمایه اجتماعی با توجه به چهارچوب نظری و استخراج مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی از دیدگاه‌های پوتنام، فوکویاما و غیره از پرسشنامه سرمایه اجتماعی اونیکس و بولن که شامل دو بُعد سرمایه اجتماعی ساختاری و شناختی است، استفاده شده است. بعد ساختاری سرمایه اجتماعی اشاره به الگوی کلی تماس‌های بین افراد دارد؛ یعنی شما به چه کسانی و گروه‌هایی و چگونه دسترسی دارید (نک: پیوست

شماره ۱). بدین ترتیب به نظر می‌رسد بعد ساختاری با بعد شبکه‌های اجتماعی که در نظریه پوتنام مطرح شده است تطابق دارد. همچنین، بعد شناختی سرمایه اجتماعی، که با بُعد اعتماد و هنجارهای اجتماعی نظریه پوتنام هم‌سو می‌باشد، اشاره به معنایی دارد که فراهم‌کننده مظاهر، تعبیرها، تفسیرها و سیستم‌های معانی مشترک در میان گروه‌ها است (Onyx & Bullen, 2000). افتخاریان و دیگران (۱۳۹۵) مقاله‌ای با عنوان «روایی پایایی نسخه فارسی پرسشنامه سرمایه اجتماعی اونیکس» ارائه کرده‌اند. آلفای کرونباخ ۰/۹۱۳ گزارش شده است و روایی آن نیز تأیید شده است. این ابزار دو نوع سرمایه اجتماعی ساختاری و شناختی را به تفصیل بررسی می‌کند. مؤلفه‌های هر کدام از ابعاد سرمایه اجتماعی شناختی و ساختاری عبارت است از:

جدول شماره (۱): الگوی سنجش سرمایه اجتماعی اونیکس و بولن

| | |
|--------------------------------------|--|
| (۱) مشارکت در اجتماع محلی | ابعاد شناختی (هنجارهای اعتماد) |
| (۲) روابط همسایگی | |
| (۳) روابط اجتماعی با بستگان و دوستان | سرمایه اجتماعی (۱۹ گویه) |
| (۴) زمینه‌های کاری و شغلی | سازه‌های ساختاری و ادراکی سرمایه اجتماعی (۱۷ گویه) |
| (۵) فعال بودن در متن اجتماعی | |
| (۶) احساس اعتماد و امنیت اجتماعی | |
| (۷) مدارای فرهنگی | |
| (۸) ارزشمندی و مفید بودن زندگی | |
| | |

لازم به ذکر است که میزان ضریب آلفای کرونباخ برای هر کدام از ابعاد هشت‌گانه و همچنین ابعاد شناختی و ساختاری بالای ۰/۷۰ به دست آمده است. شاخص‌های مربوط به سرمایه اجتماعی در بخش پیوست آمده است که سؤال‌های شماره ۱ تا ۳۶ را شامل می‌شود.

از سوی دیگر در پژوهش حاضر به منظور سنجش فرهنگ مردم‌سالاری از پرسشنامه شیری (۱۳۹۳) شامل ۱۲ گویه که برای شروط کافی فرهنگ مردم‌سالاری به کار برده است، استفاده شده است. بر این اساس فرهنگ سیاسی مردم‌سالارانه به دو مؤلفه «حمایت از مردم‌سالاری» و «اعتقاد به ارزش‌های مردم‌سالاری» تقسیم شده است

(نک: پیوست شماره ۲). در این پژوهش میزان ضریب آلفای کرونباخ برای عامل اول ۰/۶۸ و برای عامل دوم ۰/۷۱ و برای کل گویه‌ها بالای ۰/۷۰ به دست آمد. شاخص‌های مردم‌سالاری در پیوست آمده است که سؤال‌های ۳۷ تا ۴۸ را شامل می‌شود که البته گویه‌های ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۲، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷ به طور معکوس مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

۴. تحلیل یافته‌ها

از رهگذر تحلیل داده‌های به دست آمده می‌توان، یافته‌های پژوهش را در دو سطح به شرح زیر ارایه داد:

۴-۱. یافته‌های توصیفی

در این قسمت به تحلیل و آزمون داده‌های پژوهش پرداخته شده است. ابتدا آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته ارائه شده و سپس نتایج آزمون رگرسیون چندگانه متغیرهای مورد نظر پژوهش و ارتباط بین متغیرها آمده است.

جدول شماره (۲): میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

| متغیر | میانگین | انحراف استاندارد |
|----------------------------------|---------|------------------|
| مشارکت در اجتماع محلی | ۲/۳۴ | ۰/۸۳ |
| روابط همسایگی | ۲/۷۰ | ۰/۶۹ |
| روابط اجتماعی با بستگان و دوستان | ۳/۴۱ | ۰/۸۳ |
| زمینه‌های کاری و شغلی | ۳/۱۸ | ۰/۸۳ |
| فعال بودن در متن اجتماعی | ۳/۲۴ | ۰/۵۸ |
| احساس اعتماد و امنیت اجتماعی | ۳/۱۴ | ۰/۵۸ |
| مدارای فرهنگی | ۳/۰۸ | ۰/۸۷ |
| ارزشمندی و مفید بودن زندگی | ۳/۰۴ | ۰/۸۳ |
| حمایت از مردم‌سالاری | ۳/۲۵ | ۰/۶۷ |
| اعتقاد به ارزش‌های مردم‌سالارانه | ۳/۶۰ | ۰/۵۸ |

جدول شماره ۲ به آمار توصیفی کلیه متغیرهای پژوهش می‌پردازد و کلیه نمرات بین ۱ (حداقل) و ۵ (حداکثر) قرار دارند. همان‌طور که مشخص است در میان ابعاد سرمایه اجتماعی ساختاری، مشارکت در اجتماع محلی و روابط همسایگی پایین از ۳ و حد متوسط قرار دارند اما سایر ابعاد سرمایه اجتماعی ساختاری از حد متوسط بالاتر بوده است. همچنین بر اساس یافته‌های پژوهش تمامی ابعاد سرمایه اجتماعی و فرهنگ مردم‌سالارانه تا حدودی از حد متوسط بالاتر بوده است.

جدول شماره (۳): رابطه همبستگی بین متغیرهای پژوهش

| | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ |
|------------------------|-------|-------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|------|
| ۱. سن | ۱/۰۰ | | | | | | | | | | | | | |
| ۲. جنسیت | -۰/۰۷ | ۱/۰۰ | | | | | | | | | | | | |
| ۳. تحصیلات | ۰/۷۳ | -۰/۰۹ | ۱/۰۰ | | | | | | | | | | | |
| ۴. درآمد | ۰/۰۲ | ۰/۰۷ | ۰/۰۰ | ۱/۰۰ | | | | | | | | | | |
| ۵. مشارکت در جامعه | ۰/۲۲ | ۰/۰۱ | ۰/۱۸ | ۰/۱۰ | ۱/۰۰ | | | | | | | | | |
| ۶. عامیت اجتماعی | ۰/۲۰ | ۰/۰۰ | ۰/۱۷ | ۰/۰۸ | ۰/۴۹ | ۱/۰۰ | | | | | | | | |
| ۷. اعتماد | ۰/۰۶ | ۰/۲۶ | ۰/۰۵ | ۰/۰۹ | ۰/۳۲ | ۰/۳۶ | ۱/۰۰ | | | | | | | |
| ۸. روابط همسایگی | ۰/۱۳ | ۰/۰۱ | ۰/۱۰ | ۰/۰۵ | ۰/۵۴ | ۰/۴۴ | ۰/۴۴ | ۱/۰۰ | | | | | | |
| ۹. روابط خانوادگی | ۰/۰۱ | ۰/۱۲ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | ۰/۳۴ | ۰/۴۰ | ۰/۳۴ | ۰/۳۳ | ۱/۰۰ | | | | | |
| ۱۰. مدارای اجتماعی | ۰/۰۶ | ۰/۰۰ | ۰/۰۴ | ۰/۱۰ | ۰/۱۷ | ۰/۲۷ | ۰/۱۱ | ۰/۱۴ | ۰/۱۲ | ۱/۰۰ | | | | |
| ۱۱. ارزش زندگی | ۰/۰۵ | ۰/۱۱ | ۰/۰۰ | ۰/۱۵ | ۰/۱۹ | ۰/۲۶ | ۰/۲۵ | ۰/۱۷ | ۰/۲۱ | ۰/۱۳ | ۱/۰۰ | | | |
| ۱۲. روابط کاری | ۰/۲۲ | ۰/۰۵ | ۰/۱۲ | ۰/۰۵ | ۰/۴۱ | ۰/۵۲ | ۰/۳۵ | ۰/۳۸ | ۰/۳۶ | ۰/۲۲ | ۰/۳۷ | ۱/۰۰ | | |
| ۱۳. حمایت مردم‌سالاری | ۰/۲۴ | ۰/۰۷ | ۰/۱۸ | ۰/۰۲ | ۰/۱۲ | ۰/۱۵ | ۰/۰۶ | ۰/۱۰ | ۰/۱۵ | ۰/۱۰ | ۰/۰۰ | ۰/۲۱ | ۱/۰۰ | |
| ۱۴. اعتقاد مردم‌سالاری | ۰/۱۸ | ۰/۰۵ | ۰/۱۹ | ۰/۱۳ | ۰/۱۱ | ۰/۲۹ | ۰/۰۹ | ۰/۰۵ | ۰/۱۷ | ۰/۲۲ | ۰/۰۵ | ۰/۱۷ | ۰/۴۱ | ۱/۰۰ |

*روابط معنی‌دار در سطح ۰/۰۵ با بولد مشخص شده است.

جدول شماره ۳ به بررسی رابطه دو متغیره متغیرهای پژوهش با همدیگر می‌پردازد. همان‌طور که مشخص است متغیرهای سن، سطح درآمد، مشارکت در امور اجتماعی، عاملیت اجتماعی، روابط همسایگی، روابط با خانواده و دوستان، مدارای اجتماعی و روابط کاری با متغیر حمایت افراد از نظام سیاسی مردم‌سالارانه رابطه مثبت و معنی‌داری داشتند. همچنین رابطه سن، تحصیلات، سطح درآمد، عاملیت اجتماعی، روابط خانوادگی، مدارای اجتماعی، و روابط کاری با اعتماد افراد به ارزش‌های مردم‌سالاری معنی‌دار و مثبت می‌باشد.

۲-۴. یافته‌های استنباطی

در جداول پایین نتایج آزمون فرضیات پژوهش در مورد تأثیر سرمایه اجتماعی شناختی و ساختاری بر روی تمایل به مردم‌سالاری پرداخته شده است.

جدول شماره (۴): برازش مدل رگرسیونی

| همبستگی چندگانه | ضریب تعیین | ضریب تعیین تعدیل یافته | خطای استاندارد برآورد | F | سطح معنی‌داری |
|-----------------|------------|------------------------|-----------------------|-------|---------------|
| ۰/۲۴ | ۰/۰۵ | ۰/۰۵ | ۰/۵۱ | ۱۰/۸۱ | ۰/۰۰ |

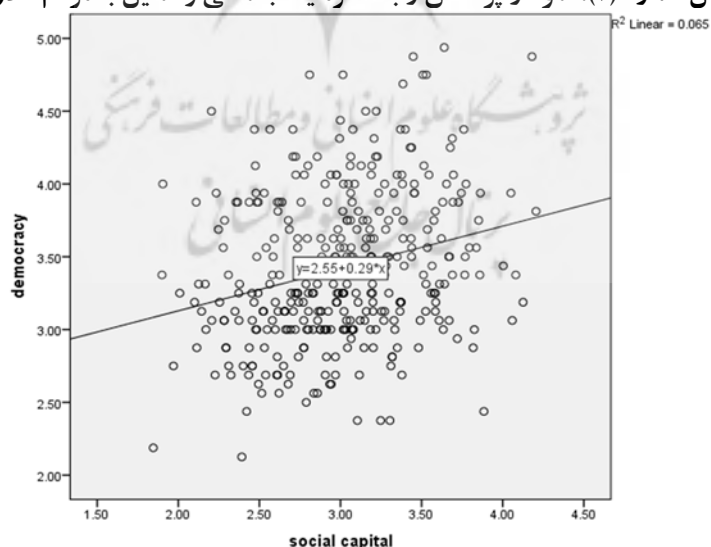
جدول فوق به دنبال بررسی میزان تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی (ساختاری و شناختی) بر روی تمایل به مردم‌سالاری (که از ترکیب حمایت از مردم‌سالاری و اعتقاد به ارزش‌های مردم‌سالارانه به دست آمده است) در بین افراد مورد بررسی می‌باشد. این جدول نشان می‌دهد که ابعاد سرمایه اجتماعی پیش‌بینی‌کننده خوبی برای تمایل به مردم‌سالاری هستند. مقدار همبستگی چندگانه (R) ابعاد سرمایه اجتماعی با تمایل به مردم‌سالاری ۰/۲۴ است و ضریب تعیین ۰۰۵٪ نشان‌دهنده مقدار قابل تبیین واریانس‌های تمایل به مردم‌سالاری از روی سرمایه اجتماعی ساختاری و شناختی است. همچنین سطح معنی‌داری به دست آمده برای مقادیر F نشان می‌دهد مدل پژوهش در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنی‌دار و قابل قبول است.

جدول شماره (۵): ضرایب رگرسیون هر بعد از سرمایه اجتماعی بر تمایل به مردم‌سالاری

| مدل | ضرایب غیراستاندارد | | ضرایب استاندارد | t | سطح معنی‌داری |
|----------------|--------------------|----------------|-----------------|-------|---------------|
| | B | خطای استاندارد | بتا | | |
| عرض از مبدأ | ۲/۵۹ | ۰/۱۹ | | ۱۳/۶۹ | ۰/۰۰ |
| سرمایه شناختی | ۰/۱۲ | ۰/۰۵ | ۰/۱۳ | ۲/۱۰ | ۰/۰۳ |
| سرمایه ساختاری | ۰/۱۵ | ۰/۰۷ | ۰/۱۳ | ۲/۰۷ | ۰/۰۳ |

جدول شماره ۵ معادله رگرسیون رابطه میان ابعاد سرمایه اجتماعی با تمایل به مردم‌سالاری را به تصویر می‌کشد. مقدار ضرایب بتا و سطح معنی‌داری آماره‌های T نشان می‌دهند که بین سرمایه اجتماعی شناختی و ساختاری با تمایل به مردم‌سالاری رابطه معنی‌داری برقرار است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد به هر میزان سرمایه اجتماعی شناختی و ساختاری در جامعه تقویت شود، این امر بر روی تمایل به مردم‌سالاری تأثیر مثبتی می‌گذارد و گرایش آنان به مردم‌سالاری را تقویت می‌کند. بر اساس نتایج پژوهش هر دو متغیر سرمایه اجتماعی شناختی و ساختاری تأثیر مشابه و یکسانی بر روی تمایل به مردم‌سالاری می‌گذارد (۰/۱۳ = ضریب بتا). بنابراین نمی‌توان جایگاه والائتری برای هر کدام از ابعاد سرمایه اجتماعی قائل شد.

شکل شماره (۱): نمودار پراکنش رابطه سرمایه اجتماعی و تمایل به مردم‌سالاری



در پایان بخش مربوط به یافته‌های پژوهش، نمودار پراکنش رابطه بین سرمایه اجتماعی (مجموع نمرات سرمایه اجتماعی شناختی و ساختاری) تمایل به مردم‌سالاری ارائه شده است. همان‌طور که از خط پراکنش مشخص است، رابطه بین این دو متغیر مثبت می‌باشد و سرمایه اجتماعی به طور کلی رابطه مثبتی با تمایل به مردم‌سالاری در افراد مطالعه شده دارد و تمایل آنها به مردم‌سالاری را تقویت می‌کند.

نتیجه‌گیری

در حالی که در گذشته بسیاری از محققان نوسازی تنها بر روی سرمایه اقتصادی و رابطه مثبت آن با توسعه سیاسی تأکید می‌کردند و نظریات وابستگی بدون توجه به ماهیت درونی کشورها بر استعمار و موضوعات بیرونی اشاره می‌کردند، اما اجتماع‌گرایان جدید معتقدند که گسترش روابط اجتماعی، و ایجاد اعتماد و هنجارهای مشترک در بیم مردم درون جوامع است که می‌تواند نجات‌دهنده فرهنگ سیاسی کشورها محسوب شود. زمانی که شبکه‌های اجتماعی در اجتماعات انسانی تضعیف می‌شود، احتمالاً به دلیل گسترش انزوای اجتماعی و سرگشتگی انسان‌ها، انسجام و همبستگی آنها نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ و طبیعی است که در چنین جوامعی حکومت مردم بر مردم یا مردم‌سالاری نمی‌تواند مجال زیادی برای خودشکوفایی داشته باشد. به عبارت دیگر مردم‌سالاری واقعی زمانی به وجود خواهد آمد که ارتباطات انسانی به شکل آزادانه و برابر در جامعه گسترش یابد و در نتیجه این گفتگوها نوعی اجماع عمومی که ناشی از اراده‌های آزادانه افراد است، جامعه را به سمت مردم‌سالاری هدایت کند. به همین خاطر است که موضوع سرمایه اجتماعی و تأثیر آن بر مردم‌سالاری مهم می‌شود.

به نظر می‌رسد گسترش روابط اجتماعی زمانی که با اعتماد انسان‌ها به همدیگر و ایجاد ارزش‌ها و هنجارهای مشترک همراه می‌شود، باعث می‌شود تا انسان‌ها جهان اجتماعی را وسیعتر از گذشته ببینند. به عبارتی آنچه که در جامعه مدنی مورد نیاز است، ایجاد پل میان گروه‌ها جهت ارتباط هر چه بیشتر با هم است. به همین سبب در جوامع مدرن عضویت در چند گروه و هویت متکثر ممکن است و بدین ترتیب بنیان‌های شکل‌گیری مردم‌سالاری در جوامع صورت می‌گیرد. این در حالی است که در

جوامع سنتی که روابط اجتماعی بر اساس قبیله، خون و مسائلی از این قبیل شکل می‌گیرد، باعث می‌شود تا نوعی پیوند قوی در بین انسان‌ها به وجود آید که در آن افراد نمی‌توانند به دلیل عدم اعتمادی به «دیگری» شبکه‌های اجتماعی مشترک و پایداری را شکل دهند و بدین ترتیب فرایند مردم‌سالاری در این جوامع با مشکلات زیادی روبرو می‌شود. استدلال این پژوهش آن است تقویت مردم‌سالاری در گروه تقویت هر دو بُعد ساختاری و شناختی سرمایه اجتماعی در جامعه است.



پیوست شماره (۱): کاربرد سنجش سرمایه اجتماعی

| ردیف | خیلی کم | کم | تا حدودی زیاد | زیاد | خیلی زیاد |
|------|---------|-------|---------------|-------|-----------|
| ۱ | ٪۶/۶ | ٪۱۵/۵ | ٪۴۲/۷ | ٪۲۷/۴ | ٪۷/۸ |
| ۲ | ٪۱۱/۶ | ٪۲۱/۹ | ٪۳۹/۳ | ٪۲۱/۳ | ٪۵/۸ |
| ۳ | ٪۶/۹ | ٪۱۱/۶ | ٪۳۱/۹ | ٪۳۰/۷ | ٪۱۸/۹ |
| ۴ | ٪۱/۷ | ٪۷/۵ | ٪۳۱ | ٪۳۲/۴ | ٪۲۷/۴ |
| ۵ | ٪۱۷/۲ | ٪۲۵/۸ | ٪۳۲/۱ | ٪۱۸/۶ | ٪۶/۴ |
| ۶ | ٪۹/۷ | ٪۱۹/۴ | ٪۳۴/۹ | ٪۲۵/۲ | ٪۱۰/۸ |
| ۷ | ٪۲۳/۸ | ٪۲۹/۹ | ٪۳۴/۶ | ٪۹/۷ | ٪۱/۹ |
| ۸ | ٪۹/۱ | ٪۱۴/۱ | ٪۲۷/۴ | ٪۳۴/۳ | ٪۱۵ |
| ۹ | ٪۱/۱ | ٪۵/۸ | ٪۳۷/۱ | ٪۴۰/۷ | ٪۱۵/۲ |
| ۱۰ | ٪۱/۱ | ٪۴/۷ | ٪۲۱/۱ | ٪۴۴/۹ | ٪۲۸/۳ |
| ۱۱ | ٪۲۳ | ٪۳۲/۴ | ٪۲۹/۴ | ٪۱۲/۵ | ٪۲/۸ |
| ۱۲ | ٪۳۱/۹ | ٪۱۸/۸ | ٪۲۴/۱ | ٪۱۶/۶ | ٪۸/۶ |
| ۱۳ | ٪۳۰/۲ | ٪۱۹/۴ | ٪۲۷/۱ | ٪۱۷/۲ | ٪۶/۱ |

| ردیف | خیلی کم | کم | تا حدودی | زیاد | خیلی زیاد |
|------|--|-------|----------|-------|-----------|
| ۱۴ | ٪۲۶/۳ | ٪۲۵/۵ | ٪۲۸ | ٪۱۳/۶ | ٪۶/۶ |
| | آیا در باشگاه‌ها یا سازمان‌های محلی پیرامون خود (ورزشی، فرهنگی، هنری و....) به صورت فعال عضویت دارید؟ | | | | |
| ۱۵ | ٪۹/۴ | ٪۱۹/۴ | ٪۳۷/۴ | ٪۲۵/۵ | ٪۸/۳ |
| | آیا از حضور در جامعه محلی خود همانند بودن در خانه‌تان، احساس راحتی می‌کنید؟ | | | | |
| ۱۶ | ٪۵ | ٪۱۵/۲ | ٪۳۲/۷ | ٪۳۰/۲ | ٪۱۶/۹ |
| | در طول هفته گذشته، چقدر تماس تلفنی با دوستان خود داشته‌اید؟ | | | | |
| ۱۷ | ٪۰/۶ | ٪۱۱/۶ | ٪۲۵/۲ | ٪۳۶/۸ | ٪۲۵/۸ |
| | در طی روز گذشته، با چه تعداد از افراد ارتباط کلامی برقرار کرده‌اید؟ | | | | |
| ۱۸ | ٪۱۵/۲ | ٪۱۵/۲ | ٪۲۹/۴ | ٪۲۳/۸ | ٪۱۶/۳ |
| | آیا آخر هفته تصمیم دارید شام یا نهار را بیرون از منزل و با دوستان خود میل کنید؟ | | | | |
| ۱۹ | ٪۶/۴ | ٪۱۳ | ٪۲۳/۳ | ٪۳۵/۲ | ٪۲۲/۲ |
| | آیا حاضرید برای دیدار خانواده، اقوام و یا آشنایان، برای مدتی به مسافرت بروید؟ | | | | |
| ۲۰ | ٪۱۳/۶ | ٪۲۱/۱ | ٪۳۱/۹ | ٪۲۵/۵ | ٪۸ |
| | هنگامی که برای خرید بیرون می‌روید، آیا دلتان می‌خواهد دوستان و آشنایان خود را هم در آنجا ببینید؟ | | | | |
| ۲۱ | ٪۵/۸ | ٪۱۶/۹ | ٪۴۵/۷ | ٪۲۳/۳ | ٪۸/۳ |
| | آیا می‌دانید اطلاعات مورد نیاز برای تصمیم‌گیری در مورد مسائل زندگی‌تان را از کجا می‌توانید کسب نمایید؟ | | | | |
| ۲۲ | ٪۴۶/۵ | ٪۱۹/۷ | ٪۱۸/۸ | ٪۱۳ | ٪۱/۹ |
| | آیا در طول ۶ ماه گذشته، از یکی از همسایگان بیمارستان عیادت کرده‌اید؟ | | | | |
| ۲۳ | ٪۳۹/۳ | ٪۲۳/۵ | ٪۲۲/۴ | ٪۹/۷ | ٪۵ |
| | آیا در اداره و مدیریت یکی از باشگاه‌ها، انجمن‌ها یا سایر سازمان‌ها و مؤسسات محلی، نقش دارید؟ | | | | |
| ۲۴ | ٪۴۱/۸ | ٪۲۳/۵ | ٪۲۲/۷ | ٪۱۰/۸ | ٪۱/۱ |
| | آیا در طول ۳ سال گذشته، در یک اقدام جمعی محلی برای مقابله با یک حالت اورژانسی، شرکت کرده‌اید؟ | | | | |
| ۲۵ | ٪۳۴/۶ | ٪۲۲/۲ | ٪۲۴/۹ | ٪۱۲/۵ | ٪۵/۸ |
| | آیا در طول ۳ سال گذشته، در یک پروژه مشترک در محله خود و یا یک پروژه کاری جمعی، مشارکت داشته‌اید؟ | | | | |
| ۲۶ | ٪۳۸ | ٪۲۶ | ٪۲۱/۶ | ٪۱۱/۶ | ٪۲/۸ |
| | آیا تاکنون در سازماندهی خدمات و برنامه‌های جدید، در | | | | |

| ردیف | سؤال | خیلی کم | کم | تا حدودی | زیاد | خیلی زیاد |
|------|---|---------|-------|----------|-------|-----------|
| | مؤسسات محلی خود مشارکت داشته‌اید؟ | | | | | |
| ۲۷ | اگر دیدگاه شما با دیدگاه سایر افراد مخالف باشد، آیا می‌توانید آزادانه آن را بیان کنید؟ | ۵٪ | ۹/۱٪ | ۳۷/۴٪ | ۲۹/۶٪ | ۱۸/۸٪ |
| ۲۸ | اگر با یکی از همسایگان خود درگیری پیدا کنید، آیا به دنبال پیدا کردن یک فرد میانجی برای حل مشکلاتان می‌روید؟ | ۱۸/۱٪ | ۳۱/۱٪ | ۳۵/۳٪ | ۱۲/۲٪ | ۳/۳٪ |
| ۲۹ | آیا وجود افراد با فرهنگ‌های مختلف، زندگی را در محل سکونت شما بهتر می‌کند؟ | ۸٪ | ۲۳٪ | ۴۱٪ | ۲۱/۹٪ | ۶/۱٪ |
| ۳۰ | آیا از زندگی در میان افراد دارای سبک‌های مختلف زندگی، لذت می‌برید؟ | ۵٪ | ۱۸٪ | ۳۸/۵٪ | ۲۶/۶٪ | ۱۱/۹٪ |
| ۳۱ | اگر یک غریبه و یا فردی متفاوت با شما و همسایگانتان به محله شما بیاید، همسایگانتان وی را خواهند پذیرفت؟ | ۴/۷٪ | ۱۶/۳٪ | ۴۷/۴٪ | ۲۵/۲٪ | ۶/۴٪ |
| ۳۲ | آیا خود را بخشی از جامعه جغرافیایی محلی که در آن کار می‌کنید می‌دانید؟ | ۸٪ | ۱۴/۷٪ | ۴۲/۴٪ | ۲۳/۳٪ | ۱۱/۶٪ |
| ۳۳ | آیا همکارانتان علاوه بر همکار بودن، با شما دوست و رفیق هم هستند؟ | ۵/۳٪ | ۱۱/۶٪ | ۳۷/۴٪ | ۳۲/۱٪ | ۱۳/۶٪ |
| ۳۴ | آیا احساس می‌کنید که بخشی از یک تیم کاری در محل کارتان هستید؟ | ۹/۱٪ | ۱۷/۵٪ | ۴۳/۲٪ | ۲۱/۹٪ | ۸/۳٪ |
| ۳۵ | آیا کاری را که لازم است انجام دهید، حتی اگر کسی هم از شما نخواهد، انجام می‌دهید؟ | ۴/۷٪ | ۱۲/۵٪ | ۳۱/۳٪ | ۳۴/۳٪ | ۱۷/۲٪ |
| ۳۶ | آیا در طی هفته گذشته، به آشنایانتان در کاری که در شرح وظایف شما هم نبوده است، کمک کرده‌اید؟ | ۹/۴٪ | ۹/۱٪ | ۱۵/۵٪ | ۳۴/۱٪ | ۲۸/۸٪ |

پیوست شماره (۲): کاربرد گنجش گرایش به مردم‌سالاری

| ردیف | کاملاً مخالفم | مخالفم | نظری ندارم | موافقم | کاملاً موافقم |
|------|---------------|--------|------------|--------|---------------|
| ۱ | ۷/۲٪ | ۲۶٪ | ۳۳٪ | ۲۴/۷٪ | ۹/۱٪ |
| ۲ | ۱۰/۵٪ | ۲۵/۲٪ | ۳۷/۷٪ | ۲۰/۵٪ | ۶/۱٪ |
| ۳ | ۱/۴ | ۱۳٪ | ۳۳/۵٪ | ۳۱/۹٪ | ۲۰/۲٪ |
| ۴ | ۵/۵٪ | ۱۷/۷٪ | ۲۱/۱٪ | ۲۷/۴٪ | ۲۸/۳٪ |
| ۵ | ۱۴/۱٪ | ۲۴/۱٪ | ۱۷/۲٪ | ۳۳/۲٪ | ۱۱/۴٪ |
| ۶ | ۹/۷٪ | ۲۶٪ | ۲۴/۹٪ | ۲۴/۷٪ | ۱۴/۷٪ |
| ۷ | ۴/۴٪ | ۶/۶٪ | ۱۰/۸٪ | ۳۵/۵٪ | ۴۲/۷٪ |
| ۸ | ۴/۷٪ | ۱۷/۲٪ | ۲۸/۸٪ | ۲۸/۵٪ | ۲۰/۸٪ |
| ۹ | ۳/۹٪ | ۱۳/۹٪ | ۲۰/۵٪ | ۴۰/۴٪ | ۲۱/۳٪ |
| ۱۰ | ۲/۲٪ | ۱۱/۱٪ | ۲۶/۶٪ | ۲۷/۴٪ | ۳۲/۷٪ |
| ۱۱ | ۲/۲٪ | ۸٪ | ۲۹/۱٪ | ۲۰/۵٪ | ۴۰/۲٪ |
| ۱۲ | ۳/۳٪ | ۴/۲٪ | ۱۶/۱٪ | ۴۲/۹٪ | ۳۳/۵٪ |

یادداشت‌ها

1. Nur-tegin
2. Sommerfeldt
3. Pillai
4. Zmerli & Newton
5. Civic Culture
6. thick trust
7. WVS

کتابنامه

- احمدی، یعقوب و نمکی، آزاد (۱۳۹۱). «سرمایه اجتماعی و گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی: تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی برای استان‌های ایران»، *علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی*. (۵۹)، ۱۹۴-۱۴۱.
- ارسیا، بابک و ساعی، احمد (۱۳۹۸). «تأثیر سرمایه اجتماعی دولت بر توسعه سیاسی از دیدگاه شهروندان تهرانی»، *دانش سیاسی*. ۱۵(۱)، ۲۸-۱.
- افتخاریان، رضا؛ کلدی، علیرضا؛ سام، شیما؛ صحاف، رباب و فدایی وطن، رضا (۱۳۹۵). «روایی پایایی نسخه فارسی پرسشنامه سرمایه اجتماعی اونیکس در سالمندان»، *سالمند*. ۴۰(۱۱)، ۱۷۵-۱۸۸.
- پوتنام، رابرت (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، (محمدتقی دلفروز، مترجم). تهران: انتشارات روزنامه سلام.
- جهانگیری، جهانگیر و ابوترابی زارچی، فاطمه (۱۳۹۱). «تحلیل عوامل مرتبط با اعتماد سیاسی دانشجویان»، *نشریه علمی دانش سیاسی*. ۸(۲)، ۲۶-۵.
- حقیقت‌خواه، محمد (۱۳۸۱). «راهکارهای تحقق مردم‌سالاری دینی در نظام علوی»، *اندیشه حوزه*. (۳۲).
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۰). *بیانات مقام معظم رهبری، به تاریخ ۱۳۸۰/۰۵/۱۱*، به نقل از سایت: **KHAMENEI.IR**
- ساعی، علی؛ زارعیان، مریم و خدایی، ابراهیم (۱۳۹۲). «تحلیل فازی رابطه سرمایه اجتماعی و دموکراسی مطالعه تطبیقی بین کشور». *جامعه‌شناسی ایران*. ۵۰(۱۴)، ۲۹-۳.
- سردارنیا، خلیل‌الله و یوسفی، بهمن (۱۳۹۵). «سنجش رابطه اعتماد و عضویت در انجمن‌های داوطلبانه با فرهنگ سیاسی دانشجویان: مطالعه موردی، دانشجویان دانشگاه شیراز»، *نشریه علمی دانش سیاسی*. ۱۲(۱)، ۲۶-۵.
- شهریاری، ابوالقاسم؛ خلیلی، محسن و اکبری، حسین (۱۳۹۴). «سنجش رابطه سرمایه اجتماعی

با تساهل مذهبی (نمونه پژوهی دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد)، «مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران». ۱۳(۴)، ۳۲-۱.

شیری، حامد (۱۳۹۳). «زیست جهان دانشگاهی و نقش آن در شکل‌گیری فرهنگ سیاسی دموکراتیک (پیمایشی در بین دانشجویان دانشگاه تهران)»، پژوهشنامه علوم سیاسی. ۹(۴)، ۱۳۳-۱۰۳.

صادقی شاهدانی، مهدی و مقصودی، حمیدرضا (۱۳۸۹). «سنجش سرمایه اجتماعی استان‌های کشور با استفاده از روش تحلیل سلسله‌مراتبی»، نشریه علمی دانش سیاسی. ۶(۲)، ۱۷۶-۱۳۹. طالبی، محمدحسین (۱۳۹۷). «نقش مردم در نظام سیاسی مردم‌سالاری دینی (اسلامی)»، سیاست متعالیه. ۶(۲۱)، ۹۵-۱۱۴.

علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۸۲). فرهنگ سیاسی آرش. تهران: آشیان. غفاری هنجین، زاهد؛ بیگی‌نیا، عبدالرضا و تصمیم قطعی، اکرم (۱۳۸۹). «عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران». نشریه علمی دانش سیاسی. ۶(۲)، ۲۴۰-۲۰۷.

غفوری، محمد و جعفری، روح‌الله (۱۳۸۷). «سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی؛ رابطه متقابل یا یک سویه». پژوهشنامه علوم سیاسی. ۱۲(۳)، ۲۳۸-۲۰۹. کریمی مله، علی. (۱۳۹۳). «الگوی مردم‌سالاری دینی و امنیت ملی»، فصلنامه مطالعات راهبردی. ۱۷(۶۴)، ۳۵-۶۴.

- Arneil, Barbara (2006). *Diverse Communities: The Problem with Social Capital*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Almond, G. A. & Verba, S. (2015). *The civic culture: Political attitudes and democracy in five nations*. Princeton university press.
- Diamond, L. (1999). *Developing democracy: Toward consolidation*. JHU Press.
- Fukuyama, F. (2001). "Social capital, civil society and development", *Third World Quarterly*. 22(1), 7-20.
- Fung, A. (2003). "Associations and democracy: Between theories, hopes, and realities", *Annual Review of Sociology*. (29), 515-539.
- Granovetter, M. (1973). "The strength of weak ties", *American Journal of Sociology*. 78(6), 1360-1380.
- Haus, M. & Sweeting, D. (2006). "Local Democracy and Political Leadership: Drawing a Map", *Political Studies*. 54(2), 267-288.
- Herreros, Francisco (2004). *Problem of Forming Social Capital, Why Trust?* Gordonsville, VA USA: Palgrave Macmillan.
- Inglehart, R. (2018). *Culture shift in advanced industrial society*. Princeton University Press.
- Luhmann, N. (1988). *Familiarity, confidence, Trust: Problems and Alternatives*. In: Diego Gambetta (ed.): *Trust: Making and Breaking Cooperative*

- relations. Oxford: Basil Blackwell, 94-107.
- Newton, K. (1999). *Social capital and democracy in modern Europe*. In: Jan Van Dept & Marco Maraffi & Kenneth Newton & Paul Whiteley (eds.): *Social Capital and European Democracy*. London and New York: Routledge, 3-24.
- Nur-tegin, K. (2019). Social capital-a topsoil for democracy. *Review of Social Economy*, 1-25.
- Onyx, J. & Bullen, P. (2000). "Measuring social capital in five communities", *The journal of applied behavioral science*, 36(1), 23-42.
- Paxton, P. (2002). "Social capital and democracy: An interdependent relationship", *American Sociological Review*, 67(2), 254-277.
- Pillai, V. K.; Diaz, H. L.; Basham, R. E. & Ramirez-Johnson, J. (2011). "Democratic attitudes and social capital in Latin America", *International Social Work*, 54(6), 767-779.
- Portes, A. (2000). *The two meanings of social capital*. In *Sociological forum* (Vol. 15, No. 1, 1-12). Kluwer Academic Publishers-Plenum Publishers.
- Putnam, R. (1993). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*. Princeton: Princeton University Press.
- Putnam, R. (2000). *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York: Simon and Schuster.
- Seligman, A. (1997). *The problem of trust*. Princeton: Princeton University Press.
- Sommerfeldt, E. J. (2013). "The civility of social capital: Public relations in the public sphere, civil society and democracy", *Public Relations Review*, 39(4), 280-289.
- Tönnies, F. & Loomis, C. P. (1955). *Community and Association*. London: Routledge and Kegan Paul.
- Uslaner, E. M. (1999). *Democracy and social capital*. In M. Warren (Ed.), *Democracy and trust* (pp. 121-150). Cambridge: University Press.
- Warren, M. E. (2001). *Democracy and Association*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Zmerli, S. & Newton, K. (2008). "Social trust and attitudes toward democracy", *Public opinion quarterly*, 72(4), 706-724.